



بررسی طرح ها و  
لوايح قانونی

معاونت تحقیقات،  
آموزش و حقوق شهروندی



معاونت تحقیقات،  
آموزش و حقوق شهروندی

<http://www.lri.ir>

معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی

## گزارش نشست کارشناسی درباره طرح نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی\*

### مقدمه

چندی است که طرح «نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» را تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به هیئت رئیسه مجلس تقدیم نموده‌اند. این طرح که در صورت تصویب نهایی، جایگزین «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» مصوب سال ۱۳۶۰ خواهد شد، در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۷ به هیئت رئیسه مجلس رسید. در گزارشی که در پی می‌آید، سعی داریم به صورت کلی ویژگی‌ها، نوآوری‌ها و نقدهای وارد بر این طرح را بیان کنیم.

۱. پیش از ورود به کلیات طرح، باید هدف از ارائه این طرح را بررسی کنیم. لازم است ذکر شود که بررسی این طرح را باید در کنار دو طرح دیگر نمایندگان مجلس، یعنی طرح «افزایش کارآمدی شوراهای اسلامی استان‌ها» و طرح «تغییر نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» مورد توجه قرار داد. دقت در مقدمه توجیهی این سه طرح که در یک تاریخ و با مقدمه توجیهی نسبتاً مشابهی ارائه شده‌اند، می‌تواند دغدغه و هدف امضاکنندگان مشترک این سه طرح را مشخص سازد. به طور خلاصه می‌توان گفت استدلال اصلی طراحان طرح-های سه‌گانه این است که مراجعات متعدد و مکرر شهروندان و مسئولان حوزه‌های انتخابیه به نمایندگان در مورد امور و مشکلات هر حوزه انتخابیه، وقت زیادی از نمایندگان می‌گیرد و آن‌ها را از انجام تکالیف و وظایف ملی باز می‌دارد و موجب تضعیف وصف «ملی بودن» سمت نمایندگی شده است. یکی از دلایل این امر آن است که مقامات اجرایی به تصمیمات شوراها در شهرستانها و استانها به دلیل نداشتن ضمانت اجرای مناسب، توجهی نمی‌کنند و این امر موجب شده که شهروندان در هر حوزه انتخابیه مجلس، برای رفع مشکلات محلی،

\* از آقای عرفان شمس که جمع‌بندی نشست مذکور را متقبل شدند، تشکر می‌شود.

به جای رجوع به شوراها، مستقیماً به شخص نماینده منتخب خود مراجعه کنند. دلیل دیگر، کم توجهی به نقش و جایگاه احزاب در نظام حقوقی ایران است که در نقص و ضعف و کارآمدی مجلس شورای اسلامی مؤثر بوده است. بنابراین برای رفع این نارسایی‌ها و تقویت وصف «ملی بودن» نمایندگی راهکارهایی پیشنهاد شده است؛ از جمله افزایش اختیارات شوراها، اسلامی در رسیدگی به امور محلی و استانی شدن انتخابات مجلس و تغییر نظام انتخاباتی آن به اکثریت تناسبی. بدیهی است نقش احزاب با استانی شدن انتخابات مجلس مؤثرتر می‌شود. زیرا از یک سو داوطلبان نمایندگی برای تضمین کسب موفقیت در انتخابات، متمایل به رقابت در قالب عضویت احزاب و گروه‌های سیاسی می‌شوند، از سوی دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی نیز برای موفقیت افزونتر در انتخابات، در پی جذب هر چه بیشتر متخصصان و نخبگان امور برمی‌آیند. با این اوصاف، قانون فعلی احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ پاسخگوی پیچیدگی‌های امروز جامعه و تحولات فوق نیست و نیاز به بازنگری دارد. از این رو طرح «نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» با هدف تقویت جایگاه قانونی احزاب و نیز اعطای مشوق‌هایی به آنها در یافتن جایگاه واقعی خود و نیز سوق دادن انتخابات به سمت نظام حزبی تدوین شده است.

۲. آنچه را که می‌توان یکی از نقاط قوت این طرح یاد کرد، ارائه تعریفی از حزب است که در بند «د» ماده ۱ به آن اشاره شده و با تعریف حزب در قانون فعلی احزاب متفاوت است. گفتنی است در تعریف حزب، هم می‌توان از رویکرد هنجاری استفاده کرد و هم از رویکرد توصیفی. در رویکرد هنجاری، حزب نهادی است که باید برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کند، و در رویکرد توصیفی، حزب نهادی است که در پی کسب قدرت و موقعیت است. به نظر می‌رسد که در این طرح، تلاش شده است که با ترکیب دو رویکرد فوق، تعریف جامع‌تری از حزب ارائه شود.

۳. با وجود ویژگی مذکور، به رسمیت شناختن فعالیت سیاسی برای انجمن‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و اصناف قابل نقد به نظر می‌رسد. تبصره ماده ۱ طرح مقرر می‌کند که انجمن‌ها و گروه‌های دانشجویی، دانش‌آموزی، اصناف، اقلیت‌های دینی و سایر گروه‌ها اگر در خارج از محیط کاری یا آموزشی خود قصد فعالیت سیاسی داشته باشند، باید از کمیسیون ماده این قانون مجوز دریافت کنند. صرف نظر از این که انجمن‌ها و گروه‌های دانشجویی، دانش‌آموزی، اصناف و اقلیت‌های دینی را نمی‌توان در زمره احزاب و گروه‌های سیاسی، که این طرح اساساً برای آنان تدوین شده است، به شمار آورد، شناسایی فعالیت سیاسی برای این گروه‌ها نیز محل تأمل است. چه آن که اعضای این گروه‌ها می‌توانند در صورت تمایل، با عضویت در احزاب مورد نظر خود، فعالیت سیاسی داشته باشند.

۴. از دیگر مزایا و نوآوری‌های طرح، دو مرحله‌ای شدن تأسیس حزب و تعیین آثار مترتب بر مجوز اولیه است. همچنین الزام کمیسیون ماده ۱۰ به اعلام مکتوب موارد و دلایل احراز نشدن شرایط تأسیس حزب در تبصره ۲ ماده ۲ از دیگر نکات قابل ذکر طرح به شمار می‌رود.

۵. از دیگر ویژگی‌های طرح می‌توان به پیش‌بینی ادغام احزاب و عدم نیاز به صدور مجوز اولیه برای احزاب ادغام شده در ماده ۷ و پیش‌بینی اعطای یارانه مضاعف به احزاب در صورت ائتلاف در ماده ۲۲ اشاره کرد. در این باره توجه به چند نکته ضروری است. نخست آن‌که، در ماده ۷ از واژه «ادغام» استفاده شده و در ماده ۲۲ از واژه «ائتلاف». آنچه آن‌که از ماده ۷ این طرح استنباط می‌شود، ادغام احزاب منجر به شکل‌گیری حزب جدید می‌شود، اما در خصوص ائتلاف احزاب، از تشکیل حزب جدید سخنی به میان نیامده است و مشخص نیست که در صورت ائتلاف احزاب، آیا حزب جدیدی تشکیل می‌شود یا این‌که احزاب با حفظ شخصیت حزبی مستقل خود به ائتلاف می‌پردازند؟ دوم، ماده ۲۲ مقرر نموده است در صورت فعالیت و ائتلاف فراگیر انتخاباتی و سیاسی مشترک در حداقل سه حزب، یارانه‌ها به صورت مضاعف به آن‌ها تعلق بگیرد. نکته قابل ذکر در این باره یکی، مشخص نبودن تعریف و معیار فعالیت انتخاباتی به عنوان یکی از شروط بهره‌مندی از یارانه مضاعف و دیگری، استفاده از واژه «مضاعف» و مشخص نبودن میزان افزایش یارانه است؛ سوم، خود بحث ائتلاف و تشویق به آن از طریق افزایش میزان یارانه هم محل تأمل است. درباره ائتلاف احزاب نظریه‌ای تحت عنوان «حداقل بردهای مرتبط به هم» وجود دارد که به موجب آن پیش‌بینی می‌شود که غالباً ائتلاف‌هایی مبتنی بر بردهای مرتبط به هم تشکیل خواهد شد. این نظریه رویکردهای موجود در تعریف احزاب سیاسی یعنی رویکرد هنجاری و رویکرد توصیفی را ترکیب نموده است و با ادغام کارکردها و اهداف مورد انتظار از احزاب بر اساس این دو رویکرد - یعنی کارویژه برنامه‌ریزی و سیاستگذاری (Policy-seeking) در رویکردهای هنجاری با کارویژه کسب قدرت و موقعیت (Office-seeking) در رویکردهای توصیفی - پیش‌بینی می‌کند که احزاب می‌توانند بر این اساس ائتلاف‌هایی با اکثریت متفاوت - طوری که مشاغل، نهادها، سمت‌ها و مناصب مختلف را می‌توان بین کمترین تعداد برندگان تقسیم کرد - بر مبنای وجوه ایدئولوژیک در بین احزاب نزدیک به هم تشکیل دهند و اختلاف‌چندانی در سیاست‌ها و برنامه‌ها نخواهند داشت. در صورت ائتلاف احزاب سیاسی با یکدیگر و برنده شدن در انتخابات، مناصب و سمت‌ها کمتر بر اساس توان انتخاباتی و شایسته‌سالاری تخصیص خواهد یافت و بیشتر، عواملی مانند قدرت چانه‌زنی احزاب در توزیع مناصب تأثیرگذار خواهد بود. این امر، به دلیل آنکه دارای ثبات

کافی نیست، می‌تواند موجب ناکارآمدی نظام سیاسی شود. ضمن آنکه پس از انتخابات، اختلافات احزاب در مسائل مختلف، دوباره زمینه بروز و ظهور می‌یابد و این خود موجب ناپایداری ائتلافات احزاب می‌شود.

۶. نکته قابل توجه دیگر درباره طرح، اختصاص موادی به مسائل مالی و بودجه احزاب و افزایش نظارت بر هزینه‌ها و منابع مالی آنهاست. یکی از مباحث مهم درباره احزاب و انتخابات، هزینه‌های انتخابات و تبلیغات انتخاباتی است. امروزه، بسیاری از دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که برای فراهم آوردن امکان برابر برای افراد و احزاب در رسیدن به قدرت، باید بر رقابت‌های انتخاباتی و بخصوص هزینه‌های آن نظارت کنند. دخالت دولت‌ها در این مورد، در دو جهت کلی صورت گرفته است. نخست تعیین سقف معین برای هزینه‌های تبلیغاتی تا آنان که قدرت مالی محدودی دارند، در موقعیت برابر و عادلانه‌ای با دیگران باشند و دوم، اعطای یارانه دولتی به احزاب و نامزدها برای هزینه انتخابات تا هم با فساد مالی احزاب و نامزدها مقابله شود و هم حمایت مالی از نامزدهایی شود که توان مالی لازم را ندارند. به نظر می‌رسد که مواد این طرح تا حدودی منظور فوق را برآورده می‌کند. مواد ۱۸ تا ۲۳ بودجه احزاب و نحوه نظارت بر آن، و همچنین نحوه اختصاص یارانه به احزاب را مقرر کرده است. نکته‌ای که در این جا باید مورد توجه باشد، نحوه تقسیم یارانه میان احزاب است. ماده ۲۱، کمیسیون ماده ۱۰ را موظف نموده است که ۳۰ درصد کل بودجه احزاب و گروه‌ها را به طور مساوی بین تمام احزاب تقسیم نماید و ۷۰ درصد باقی آن، به احزاب و گروه‌های سیاسی به نسبت تعداد کرسی‌های کسب شده در انتخابات مجلس شورای اسلامی، تعداد اعضاء و دفاتر استانی و برگزاری کنگره‌های حزبی اختصاص می‌یابد. در این باره، بند ۷ ماده ۱۱ طرح، تصمیم در مورد میزان پرداخت یارانه به احزاب را از جمله وظایف و اختیارات کمیسیون ماده ۱۰ دانسته است که به نظر می‌رسد با توجه به مشخص بودن نحوه تقسیم یارانه در ماده ۲۱، این بند نیاز به بازنگری دارد.

۷. تأمین مالی احزاب از مواردی است که با وجود اهمیت موضوع، در حد بسیار مختصر به آن اشاره شده است. بدیهی است یارانه پرداختی دولت به احزاب، به دلیل محدود بودن آن، نمی‌تواند همه هزینه‌های احزاب را پوشش دهد و احزاب ناچارند که برای جبران هزینه‌های خود، از روش‌های دیگری برای تأمین منابع مالی استفاده کنند. با وجود این، ماده ۱۸ طرح، صرفاً به ذکر این نکته بسنده نموده است که بودجه احزاب و گروه‌ها باید از راه‌های قانونی تأمین و به شکل قانونی صرف گردد و به روش‌هایی که احزاب قادر به تأمین بودجه خود هستند، اشاره‌ای نشده است. در این باره، روش‌هایی را که در کشورهای دیگر پذیرفته شده است، می‌توان مورد توجه قرار داد. از جمله این روش‌ها

دریافت حق عضویت از اعضای حزب است. در کشورهایمانند انگلستان یا برخی کشورهای اروپای غربی که احزاب منضبط دارند، اعضا در قبال پرداخت حق عضویت، می‌توانند از مزایایی که احزاب برای آنان فراهم می‌کنند، استفاده کنند و در مقابل، تکالیفی نیز برای آنان مانند الزام به رأی دادن به فهرست آن حزب در انتخابات، ایجاد می‌شود. از دیگر روش‌هایی که در کشورهای مختلف برای تأمین مالی احزاب استفاده شده، کمک‌های مردمی یا کمک‌های شرکت‌های صنعتی و اتحادیه‌های کارگری و اعطای وام و اعتبارهای مالی به احزاب است.

۸. توجه به ساختار احزاب و روشن شدن نحوه عضوگیری آنها نیز از دیگر مسائل قابل توجه در طرح است. بی‌تردید یکی از ارکان بقای احزاب در کنار تأمین درآمدها و سرمایه‌های مالی، تأمین نیرو و عضوگیری احزاب است. در برخی مواد این طرح مانند مواد ۵ و ۲۴ درباره تأسیس دفاتر رسمی و اعضای حزب بحث شده است.

۹. پیش‌بینی مشوق‌های حزبی از دیگر نکات ابتکاری طرح است که در ماده ۲۴ مقرر شده است. این مشوق‌ها هم معطوف به رهبران (شورای مرکزی حزب)، هم معطوف به برنامه محوری احزاب، و هم معطوف به مسائل ساختاری احزاب مانند داشتن دفاتر رسمی و تعداد اعضای معین است.

۱۰. ترکیب پیشنهادی برای کمیسیون ماده ۱۰ یکی از مسائل قابل بحث طرح است. در حالی که در کمیسیون فعلی ماده ۱۰ احزاب، نمایندگان احزاب حاضر نیستند، در این طرح پیش‌بینی شده است که دو نماینده از احزاب در کمیسیون ماده ۱۰ حضور داشته باشند. این امر را می‌توان نقطه مثبتی در رعایت حقوق احزاب در فرآیند تصمیم‌گیری کمیسیون دانست. با وجود این، ترکیب اعضا و سازوکار طراحی شده در ماده ۱۰ برای تصمیم‌گیری کمیسیون، به گونه‌ای است که تا حدی تأثیرگذاری نمایندگان احزاب را در اتخاذ تصمیمات، ضعیف جلوه داده است. از سویی، حضور دو نماینده مجلس در ترکیب کمیسیون، با توجه به جنبه اجرایی آن و رویه شورای نگهبان، مغایر اصول ۵۷ و ۶۰ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۱۱. احصاء وظایف و اختیارات کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب در ماده ۱۱، از دیگر ویژگی‌های این طرح است. با وجود این، به نظر می‌رسد در برخی موارد وظایف و اختیارات واگذار شده به این کمیسیون، با توجه به ترکیب اعضای آن، که اکثر آنان مشاغلی دیگر غیر از عضویت در کمیسیون ماده ۱۰ دارند، خارج از توان این کمیسیون باشد. از سویی، برخی اختیارات و وظایف کمیسیون، مبهم و بدون دلیل روشنی است. برای مثال، می‌توان به بندهای ۸ و ۱۰ ماده ۱۱ اشاره کرد. بر اساس ماده ۸ یکی از وظایف کمیسیون،



بررسی و اظهارنظر در مورد برنامه‌های مدون احزاب در انتخابات است، و به موجب بند ۱۰، یکی دیگر از وظایف کمیسیون، بررسی شرایط احزاب و گروه‌های سیاسی است که صلاحیت معرفی نامزد در انتخابات مختلف کشور را دارند. صرف مقرر کردن وظایفی مانند بررسی و اظهارنظر درباره برنامه‌های انتخاباتی احزاب یا بررسی شرایط احزابی که صلاحیت معرفی نامزد در انتخابات را دارند، بدون در نظر گرفتن ضمانت اجرا برای آن، منطقی به نظر نمی‌رسد. ضمن آن‌که مورد اخیر، یعنی بررسی شرایط احزابی که صلاحیت معرفی نامزد در انتخابات را دارند، با توجه به صلاحیت شورای نگهبان در تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات، مبهم است و جای تأمل دارد.

۱۲. تعیین دیوان عدالت اداری به عنوان مرجع رسیدگی به شکایات، از تصمیمات و اقدامات کمیسیون ماده ۱۰ در ماده ۱۲ از دیگر ویژگی‌های این طرح است.

۱۳. در ماده ۱۳ این طرح، شرایط آسان‌تری برای برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات در نظر گرفته شده و حسب مورد، صرف اطلاع وزارت کشور، استانداری و فرمانداری کافی دانسته شده است. با وجود این، تبصره ۱ این ماده، به کمیسیون ماده ۱۰ در تهران، شورای تأمین استان در مراکز استانها و شورای تأمین شهرستان در شهرستانها اجازه داده است که پیش از برگزاری راهپیمایی، به استناد اصل ۲۷ قانون اساسی آن را منع نمایند. نکته قابل ذکر در این ماده، مرجع اعتراض احزاب به لغو راهپیمایی است که در ماده ۱۴ دادستان تعیین شده، اما به نظر می‌رسد که با توجه به ماده ۱۳، دیوان عدالت اداری مرجع صالح برای رسیدگی به این اعتراض باشد.

۱۴. از نکات دیگری که می‌توان در این طرح به آن توجه نمود، اجازه برگزاری راهپیمایی یا تجمع به مردم بر اساس اصل ۸ قانون اساسی، بدون نیاز به اخذ مجوز است. به نظر می‌رسد که با در دستور کار بودن بررسی طرح امر به معروف و نهی از منکر در مجلس و تصویب قید یک فوریت آن در صحن علنی، بهتر است مفاد این ماده در طرح امر به معروف و نهی از منکر گنجانده شود.

۱۵. نکته‌ای که می‌توان آن را خلأی در طرح دانست، اشاره نکردن به تضمینات آزادی احزاب است. قوانین مربوط به احزاب در دیگر کشورها، برای احزاب تضمینات و آزادی‌هایی را پیش‌بینی نموده است، اما در این طرح، هیچ گونه تضمینی برای آزادی احزاب پیش‌بینی نشده است.

۱۶. تفکیک نشدن بین فعالیت‌های حزبی و فعالیت‌های انتخاباتی را می‌توان از خلأهای دیگر طرح دانست. فایده این تفکیک در مواردی مانند نظارت بر هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی مشخص می‌شود. سؤال این است که آیا همه فعالیت‌های احزاب، انتخاباتی تلقی



می‌شود یا خیر. فایده این تفکیک در مواردی نمود پیدا می‌کند که شرط تعلق برخی مزایا به احزاب، فعالیت انتخاباتی آنها باشد. در برخی کشورها مانند فرانسه، فعالیت احزاب یک سال پیش از برگزاری انتخابات، فعالیت انتخاباتی تلقی می‌شود و نظارت دولت بر هزینه‌های تبلیغاتی نیز از همان زمان شروع می‌شود.

۱۷. مسئله قابل تأمل دیگر در این طرح، تأکیدی است که در مواد مختلف بر قلمرو فعالیت احزاب شده است. برای مثال، در تبصره ۲ ماده ۵ به احزابی اشاره شده است که قلمرو فعالیت استانی دارند. همچنین در ماده ۲۱، بند ۴ بخش الف ماده ۲۴، تبصره ۲ بخش الف ماده ۲۴ به بحث دفاتر استانی احزاب اشاره شده است. به نظر می‌رسد که معیار قرار دادن فعالیت استانی احزاب و تأکید بر داشتن دفاتر در استان‌ها، تا حدی ناشی از ذهنیت طراحان طرح درباره استانی شدن انتخابات مجلس است. در مواردی به نظر می‌رسد که این تأکید مستلزم تحمیل هزینه‌های بیش از اندازه به احزاب است. برای مثال، بند ۴ (الف) ماده ۲۴، داشتن دفاتر رسمی فعال در دوسوم استان‌های کشور را شرط بهره‌مندی از برخی مزایا دانسته است، یا در بند الف ماده ۵، یکی از شروط صدور پروانه نهایی فعالیت، ارائه مدارک حداقل سیصد نفر از اعضای شورای مرکزی و شوراهای استانی در حداقل دوسوم از مراکز استان‌های کشور دانسته شده است. بند ب همین ماده، یکی دیگر از شرایط صدور پروانه نهایی فعالیت را تأسیس دفاتر رسمی، حداقل در یک‌سوم از مراکز استان‌های کشور برشمرده است. به نظر می‌رسد قائل شدن این شرایط برای احزاب تا حدی سختگیرانه است و در مواردی می‌تواند مانعی بر سر راه فعالیت آنها باشد.

۱۸. یکی از مواردی که در طرح «نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» در نظر گرفته شده است، پیش‌بینی رأی‌فهرستی است. بدین صورت که در بند ب (۳) ماده ۲۴ مقرر شده است که انتخاب‌کنندگان می‌توانند به جای ذکر اسامی داوطلبان، نام یکی از احزاب یا گروه‌های سیاسی مشمول بند الف همین ماده را در برگه رأی یادداشت کنند. این امر، علاوه بر ایجاد سهولت برای رأی‌دهندگان، منجر به تقویت نظام حزبی از طریق نظام فهرستی و در نهایت افزایش کارایی و ثبات مجلس خواهد شد.

۱۹. الزام صداوسیما به راه‌اندازی بخش خبری ویژه احزاب و برگزاری میزگردهای علمی با حضور نمایندگان احزاب واجد شرایط را می‌توان از جمله مواردی دانست که به تحقق آزادی بیان در خصوص احزاب کمک می‌کند. همچنین الزام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صدور مجوز نشریه برای احزاب واجد شرایط ماده ۲۴ را می‌توان از دیگر نکات مثبت طرح یاد کرد. بویژه آنکه بر خلاف مورد مربوط به الزام سازمان صداوسیما بر راه‌اندازی بخش خبری ویژه احزاب و برگزاری میزگرد، ضمانت اجرای مجوز نشریه در

وزارت ارشاد در مهلت مقرر در قانون، پیش‌بینی و مقرر شده است که اگر در مدت مقرر (سه ماه)، مجوز صادر نشود، حزب یا گروه سیاسی می‌تواند اقدام به انتشار نشریه نماید. با وجود این، محدود کردن الزام وزارت فرهنگ و ارشاد به صدور مجوز نشریه تنها برای احزابی که واجد شرایط بند الف ماده ۲۴ هستند، بر خلاف اصل برابری است.

۲۰. مسئله دیگر به ماده ۲۶ طرح برمی‌گردد که در آن مقرر شده شورای نگهبان می‌تواند حسن شهرت، پابندی نامزدهای احزاب موضوع بند الف ماده ۲۴ به قانون اساسی و ولایت فقیه، مورد پذیرش قرار دهد. این ماده با توجه به اصل ۹۹ قانون اساسی زائد به نظر می‌رسد.

۲۱. اما نکته آخر به نسخ «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» مصوب ۱۳۶۰ در ماده ۳۰ این طرح برمی‌گردد. با توجه به این که طرح صرفاً شامل احزاب و گروه‌های سیاسی است و درباره انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده حکمی ندارد، این نسخ، بدون تعیین تکلیف در مورد گروه‌ها و انجمن‌های فوق، محل ایراد است.

#### نتیجه

با توجه به نکات گفته شده می‌توانیم این طرح را نسبت به قانون فعلی احزاب مترقی‌تر و پیشرفته‌تر بدانیم. ارائه تعریف جامع‌تر از حزب، توجه به مسائلی مانند تشکیلات و ساختار احزاب، هزینه‌های احزاب و نحوه نظارت بر آنها، پیش‌بینی مشوق‌های حزبی، تعیین مرجع شکایت از تصمیمات کمیسیون ماده ۱۰، احصاء وظایف این کمیسیون و حضور نمایندگان احزاب در ترکیب کمیسیون ماده ۱۰ از نکات مهم این طرح است. با وجود این، همان گونه که ذکر شد، این طرح کاستی‌هایی نیز دارد که در صورت توجه نشدن به آنها، هدف قانونگذار که همان تقویت نقش و جایگاه احزاب در نظام حقوقی و سیاسی باشد، محقق نخواهد شد. از سوی دیگر، این طرح را باید یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای دید که با دو حلقه دیگر خود، یعنی طرح «افزایش کارآمدی شوراهای اسلامی استان‌ها» و طرح «تغییر نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی» کامل می‌شود. بدیهی است برای طرح نمودن نظامی که بتواند خلأهای نظام حقوقی را در این سه حوزه پوشش دهد، هر سه طرح باید در کنار هم تجزیه و تحلیل شود. این امر کمک می‌کند تا نحوه رابطه این سه طرح با یکدیگر، و همچنین تأثیرات مثبت و منفی احتمالی آنها بر نظام سیاسی و حقوقی کشور (در صورت تصویب نهایی) بهتر درک شود.